
در جست وجوی فدک
محمدامین پورامینی
رهنما
۱۰۶

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنمای ۱۰۶ (در جستجوی فدک)

نویسنده:

محمد امین پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنمای ۱۰۶ (در جستجوی فدک)

مشخصات کتاب

سرشناسه : پورامینی، محمدامین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : در جستجوی فدک/ محمدامین پورامینی ؛ تهیه معاونت تبلیغاتی و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی .

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ .

مشخصات ظاهری : ۲۴ ص.؛ ۱۱ × ۱۷ س م.

فروست : ... رهنما؛ ۱۰۶ .

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۴۰-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. . خطبه فدک

موضوع : فدک (عربستان سعودی)

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲۵/پ۸۶د۴ ۱۳۹۲

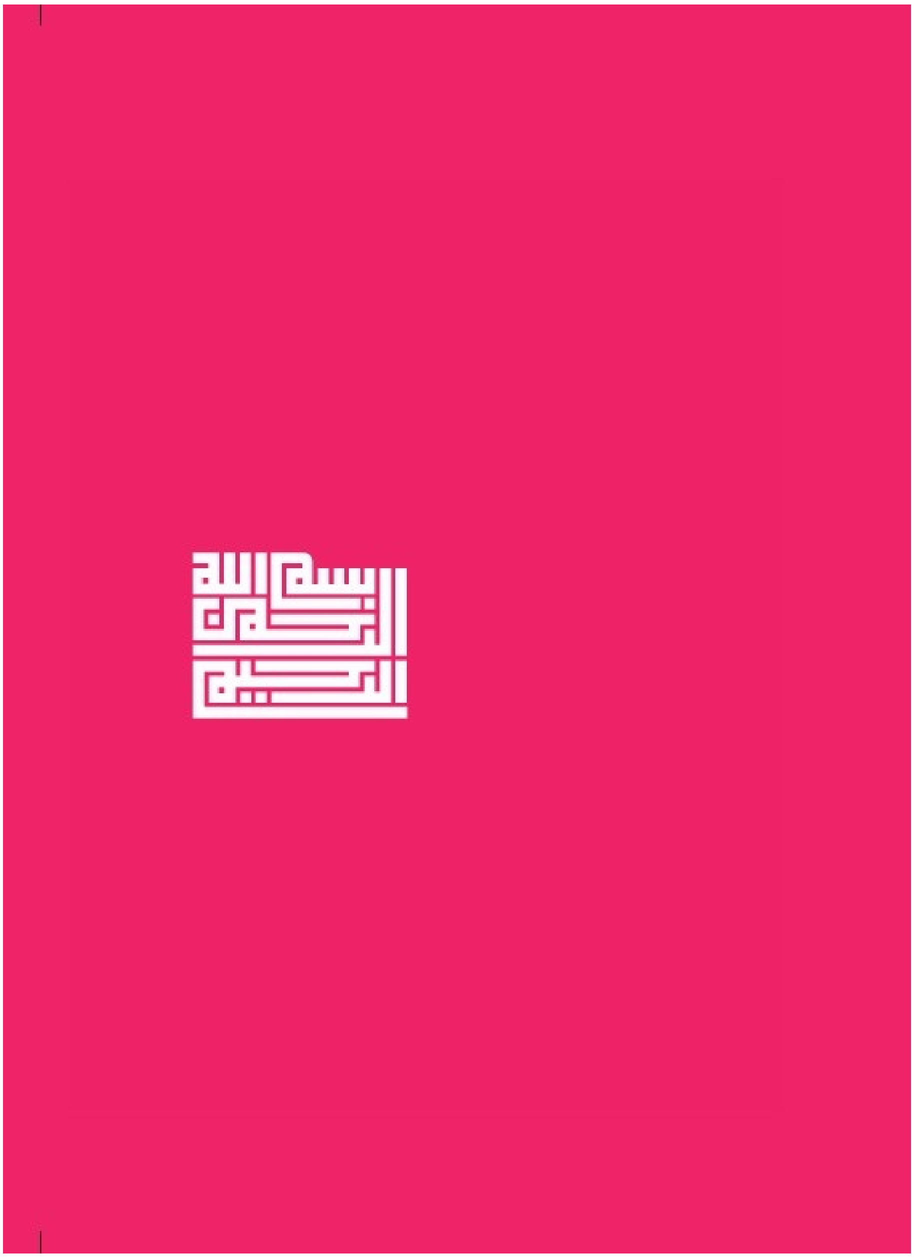
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۶۶۴۷

ص:۱

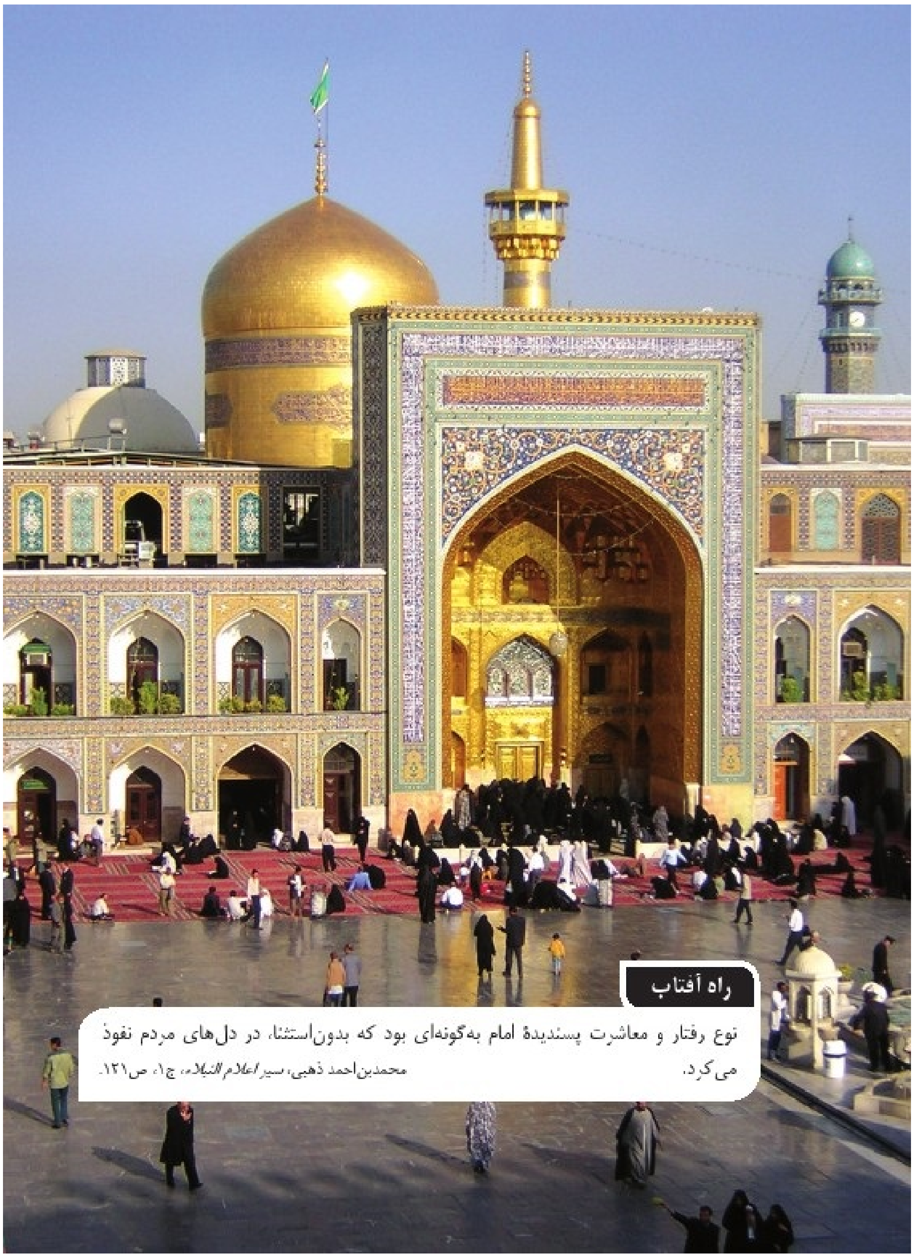
اشاره

تصویر



ص:۲

تصویر


راه آفتاب
نوع رفتار و معاشرت پسندیدهٔ امام به‌گونه‌ای بود که بدون‌استثنا، در دل‌های مردم نفوذ می‌کرد.
محمدبن‌احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج۱، ص۱۲۱.

تصویر



ص:۴

در جست و جوی فدک

? دریچه

در این نوشتار در پی پاسخ به این پرس شهاییم:

۱. فدک چیست؟

۲. محدودهٔ فدک کجاست؟

۳. علت تأکید و تکیه بر مسئلهٔ فدک چیست؟

۴. موضع حضرت فاطمهٔ زهرا چیست؟

۵. موضع غصبکنندگان فدک کدام است؟

۶. تأثیر کلامی، فقهی این بحث چیست؟

۷. علت استمرار این بحث و موج آفرینی دربارهٔ آن چیست؟

۸. بازتاب مسئلهٔ فدک چیست؟

تصویر



ص:۸

درآمد

برخی، ساده اندیشانه گمان می کنند فدک فقط باغی بوده است در دست حضرت زهرا که بعدها تصرف و غصب شده است. ازنظر آنان، این قضیه تمام شده و رفته است! آنان باید بدانند قضیه بسیار عمیق تر و فراتر از این است. بحث از فدک، بحث از زمین غصب شده نیست؛ فدک نماد خلافت حقه و امامت است؛ فدک فراتر از تکه ای زمین است؛ فدک آینهٔ تمام نمای ولایت است. غصب فدک یعنی غصب خلافت و تهی ساختن منبع مالی تشکیلات امامت حقه. تکیهٔ فاطمهٔ زهرا و اهل بیت بر فدک، تکیه بر خلافت راستین و روشنگری امت برای یافتن راه سعادت خویش است. این سعادت تنها در پرتور امامت امامان معصوم به دست می آید.

در مسئلهٔ فدک علاوه بر مطالبهٔ حق، روشن می شود که مدعیان خلافت، به احکام ضروری اسلام نادان اند. همچنین در این ماجرا، با ایراد خطبهٔ فدکیه، راه آینده ترسیم شد: سعادت امت اسلام در گرو بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی و راهی است که خداوند آن را ترسیم کرده است.

ممکن است گفته شود آیا طرح این مسائل مخالف وحدت اسلامی

نیست؟ در جواب می گوییم بدون شک وحدت امت اسلام ضروری و بدیهی است؛ ولی مقصود از وحدت، دست برداشتن از عقاید حق و ترک واکاوی و پژوهش در مسائل کلامی و تاریخی و سیاسی نیست؛ بلکه مقصود این است که در عین اختلافِ دیدگاه و حفظ باورهای درست، با تکیه بر نقاط مشترک فراوانی که با برادران اهل سنت داریم، با فهم صحیح از مبانی یکدیگر، در برابر دشمن مشترکی که نه به سنی رحم می کند و نه به شیعه، موضعی مشترک و مناسب و همسو بگیریم. منظور از وحدت این است که با شناخت دشمنی که امروز در آمریکا و صهیونیسم جهانی متجلی است، دوست را از دشمن تشخیص دهیم و سلاح خود را به سوی دشمن مشترک نشانه گیریم. اما طرح این گونه مباحث، در محیطی سالم و علمی، و به دور از اهانت به یکدیگر و به منظور کشف حقیقت، اشکالی ندارد.

فصل اول: محدوده و مالکیت آن

اشاره

تصویر



ص:۱۱

تصوير



ص:١٢

فدک منطقهٔ آبادی واقع در یک منزلی خیبر بوده است. ساکنان این منطقه پس از جنگ خیبر، با پیغمبر پیمان صلح بستند و فدک از آنِ پیغمبر شد. پس از این پیمان، یهودیان این منطقه در موضع ضعف قرار گرفتند و دیدند از پسِ جنگ با رسول خدا و مسلمانان برنمی آیند؛ ازاین رو برای حفظ جان خود، از درِ صلح با پیامبر درآمدند. بدین ترتیب آنجا در اختیار پیامبر قرار گرفت و رسول خدا به دستور خداوند آن را به دخترش فاطمه بخشید.

طبق مسئله ای فقهی، اگر مسلمانان در جایی بجنگند، غنائم به دست آمده از آن هم برای ایشان است و آن را بین خود تقسیم می کنند. اما گاهی رویارویی با دشمن به جنگ منجر نمی شود؛ مثل اینکه دشمن خود را در موضع ضعف ببیند و برای حفظ جان و منافع و امنیت خود، از جنگ دست بردارد و با مصالحه، از سرزمین خود بیرون رود. در این حالت که سرزمین، بدون جنگ به دست مسلمانان می افتد، غنائم بین مسلمانان تقسیم نمی شود و در مالکیت عموم مسلمانان نخواهد بود؛ بلکه در ملک شخص رسول خداست و ایشان هرگونه که صلاح بداند، در آن تصرف می کند.

ص:۱۳

این مطلب را بزرگان شیعه و سنی آورده اند. ازجمله فقیهان اهل سنت که تصریح کرده اند فدک از آنِ شخص رسول خدا بوده است، ابوبکر کاشانی در کتاب بدائع الصنائع(۱)، وسرخسی در کتاب المبسوط(۲) است. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه نقل می کند که فدک ملک شخص رسول خدا بود و مسلمانان در آن هیچ بهره ای ندارند؛ چون برای آن، جنگی واقع نشده است.(۳) همچنین سیوطی نیز در الدر المنثور(۴) تصریح می کند که فدک به شخص پیامبر متعلق بوده است؛ چون برای تصاحب آن جنگی نشده است. بلاذری نیز در فتوح البلدان این مطلب را آورده است.(۵)

پنجره:

ماجرای فدک ریشهٔ قرآنی دارد. اصل جریان، به عقب نشینی یهود بنی نضیر بر می گردد، در سورهٔ حشر آمده است: «وَ

ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَما أَوْجَفْتُمْ عَلَیهِ مِنْ خَیلٍ وَ لا رِکابٍ وَ لکنَّ اللَّهَ یسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلی مَنْ یشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کلِّ شَی ءٍ قَدیرٌ»(۶) (آنچه خدا از دارایی شان (یهودیان) به پیامبر

ص:۱۴

۱- . بدائع الصنائع، ج۷، ص۱۱۶.

۲- . سرخسی، المبسوط، ج۱۲، ص۲۹.

۳- . شرح نهج البلاغه، ج۱۶، ص۲۱۰.

۴- . الدر المنثور، ج۸، ص۹۹.

۵- . فتوح البلدان، ج۱، ص۳۴، شمارۀ۱۰۷ و ص۳۶، شمارۀ۱۱۶و۱۱۷ و ص۳۷، شمارۀ۱۱۹.

۶- . حشر، ۶.

خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید؛ بلکه خدا پیامبرانش را بر هرکه بخواهد، مسلط می سازد و خدا بر هرچیزی قادر است.)

«ما أَوْجَفْتُمْ عَلَیهِ» اشاره به این داردکه شما مسلمانان برای به دست آوردن آن به کارزار نرفتید؛ نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری برای آن به کار گرفتید و برای کسب آن متحمل زحمتی نشدید. اینجا هیبت رسول خدا کارگر شد و ترسی که از ایشان در دل یهودیان افتاده بود. آن ها با پذیرش مصالحه، دست از جنگ شستند و مناطق خویش را رها کردند. ازاین رو، آن ملک، به حکم قرآن، ملک شخص پیامبر است.

بدین گونه، فدک در اختیار رسول خدا قرار گرفته و به ملکیت شخص وی درآمده است و مسلمانان را در آن بهره ای نیست. ازاین رو مفسران بزرگ شیعه(۱) و اهل سنت(۲) تصریح می کنند که چون مسلمانان برای آن زحمتی نکشیدند و شخصیت رسول خدا کارگر شد و با ترسی که خدا از آن حضرت در دل یهودیان بنی نضیر نهاد، ایشان خانه ها و

۱- . نک: التبیان، ج۹، ص۵۴۶؛ مجمع البیان، ج۹، ص۴۳۱؛ المیزان، ج۱۹، ص۲۰۳.

۲- . نک: شافعی، احکام القرآن، ج۱، ص۱۵۳؛ طبری، جامع البیان، ج۲۸، ص۴۵و۵۰؛ تفسیر الثعلبی، ج۹، ص۲۷۲و۲۷۳؛ تفسیر السمعانی، ج۵، ص۳۹۹؛ تفسیر البغوی، ج۴، ص۳۱۷؛ ابن عربی، احکام القرآن، ج۲، ص۴۰۷؛ ابن جوزی، زاد المسیر، ج۷، ص۳۳۶؛ الدر المنثور، ج۶، ص۱۸۹؛ تفسیر الآلوسی، ج۲۸، ص۴۴و۵۶.

املاک خود را وانهادند، و این گونه مناطق آزادشده را «فیء» می نامند. فیء یعنی چیزی که در آن، بازگشت به سوی پیامبر است و از انفال است و به پیامبر اختصاص دارد و ملک شخص او شده است و هرگونه که خود بخواهد، در آن تصرف می کند. علت آن هم همین است که مسلمانان در آزادسازی آن نقشی نداشته و رنجی تحمل نکرده اند. این به خلاف غنیمت جنگی است که در کارزار به دست مسلمانان می افتد: چون خود برای به دست آورن آن نقش آفرینی کرده اند و رنج جنگ را به جان خریده اند، غنائم جنگی مربوط به خود ایشان خواهد بود. پس فیء معنایی غیر از غنیمت دارد.

منطقهٔ فدک بزرگ بود و با مدینهٔ منوره، به اندازهٔ دو تا سه روز فاصله داشت. این منطقه اکنون نیز وجود دارد و گفته می شود حدود ۱۴۰ کیلومتر تا مدینه فاصله دارد.

ص:۱۶

خلاصه

فدک منطقه ای آباد در یک منزلی خیبر بود در اختیار یهودیان. پس از جنگ خیبر که یهودیان خود را در موضع ضعف دیدند ، از در صلح با رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمدند. بنا بر حکم قرآنی و مستند فقهی ، هر جایی که بدون جنگ و خون ریزی به دست آید ، در ملکیت رسول خداست . گفته می شود اکنون فدک در ۱۴۰ کیلومتری مدینه منوره قرار دارد.

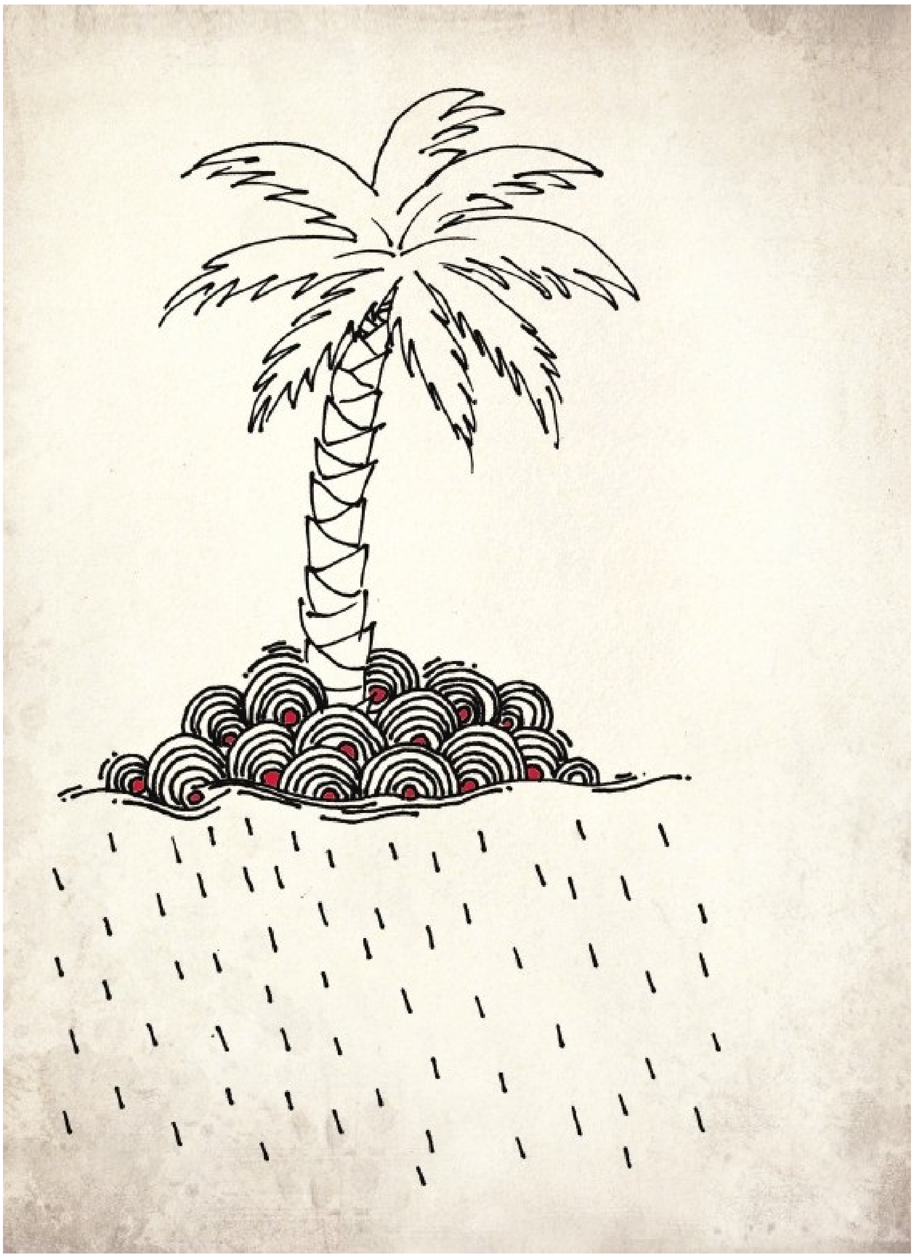
فصل دوم چرا فدک در اختیار فاطمه (س) قرار گرفت؟

اشاره

تصویر



تصویر



ص:۱۸

واگذاری فدک به فاطمهٔ زهرا نیز ریشهٔ قرآنی دارد: پس از آنکه فدک در ملکیت شخص رسول خدا قرار گرفت، این آیهٔ شریفه نازل شد: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه»(۱) (حق خویشان خود را بده.) این دستور، دستوری کلی است. خویشان و نزدیکان پیامبر زیاد بودند: دختر رسول خدا و همسران و دیگر بستگان پیامبر. مقصود کدام یک از خویشان است؟ رسول خدا خود سؤال کرد مقصود و منظور کیست؟ جبرئیل رفت و پرسید و باز آمد و گفت: «خدایت سلام می رساند و می فرماید: 'فدک را به فاطمه بده.'» پس از آن بود که رسول خدا فدک را به فاطمهٔ زهرا داد.

این، مطلبی است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند. نزد شیعه که واضح است؛ نزد اهل سنت نیز بزرگانی چون ابوالسعود،(۲) فخر رازی،(۳) زمخشری(۴) و جلال الدین سیوطی در ذیل آیهٔ شریفهٔ «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی

ص:۱۹

۱- . اسراء، ۲۶.

۲- . تفسیر ابی السعود، ج۵، ص۱۵۴.

۳- . التفسیر الکبیر، ج۲، ص۱۴۵.

۴- . الکشاف، ج۲، ص۶۴۶.

حَقَّه»(۱) آن را آورده اند.

سیوطی شافعی از ابوسعید خدری نقل می کند: وقتی آیهٔ «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه»(۲) نازل شد، رسول خدا، فاطمه را فرا خواند و فدک را به او داد.(۳) همچنین احمدبن المهدی حسنی ادریسی(۴) آن را در همین باره آورده است. با کمی دقت در این مطالب که در کتاب های همهٔ مسلمانان آمده است، علت واگذاری فدک به فاطمهٔ زهرا را درمی یابیم.

بنابراین، رسول خدا با دستور خداوند: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه»(۵) فدک را به فاطمهٔ زهرا بخشید و به ملکیت آن حضرت درآورد تا در واقع پشتوانهٔ مالی و اقتصادی مهمی برای وی باشد. بدین گونه، فدک در در دورهٔ رسول خدا در اختیار فاطمهٔ زهرا قرار گرفت. آن حضرت نیز افرادی را وکیل و گماشته و کارگر قرار داد و آنان در آن زمین به کار مشغول شدند.

در ادامه، می بینیم که ماجرای غصب فدک، کم کم رنگ تاریخی و سیاسی و فقهی به خود گرفت.

ص:۲۰

۱- . اسراء، ۲۶.

۲- . اسراء، ۲۶.

۳- . الدر المنثور، ج۴، ص۱۷۷.

۴- . تفسیر البحر المدید، ج۷، ص۲۰۳.

۵- . اسراء، ۲۶.

خلاصه:

پس از اینکه فدک به ملکیت شخص رسول خدا درآمد، آیهٔ)وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه(نازل شد. طبق این آیه، رسول خدا مأموریت یافت فدک را به فاطمهٔ زهرا دهد و این کار انجام شد.

ص:۲۱

فصل سوم: غصب فدک، چرا؟

اشاره

تصویر



ص:۲۳

تصویر



ص:۲۴

رسول خدا از دار دنیا رفت و متأسفانه خلافت مسیر اصلی ترسیم شدهٔ خود را فراموش کرد و کسانی دیگر بر مسند قدرت نشستند. این ماجرای بسیار تلخ، به تدریج مسلمانان را گرفتار و جهان بشریت را از برخورداری کامل این نعمت محروم ساخت. امام ابوحامد غزالی که از بزرگان اهل سنت و صاحب کتاب معروف احیاء العلوم است، ریشهٔ این انحراف را در دنیاخواهی و ریاست طلبی و پیروی از خواسته ها و شهوات نفسانی می داند. او در رسالهٔ سر العالمین می نویسد: «در روز عید غدیر، هیجدهم ذی الحجه که رسول خدا فرمود: 'من کنت مولاه فهذا علی مولاه' عمربن خطاب آمد و به وی تبریک گفت که 'ای ابوالحسن، تو مولای همه شدی.' این به معنای تسلیم و حکم پذیری است. اما پس از آن، براثر ریاست طلبی، هوای نفس چیره شد.»(۱) این، سخن شخصیتی بزرگ از اهل سنت است که بحق سخن گفته است و به حق اعتراف کرده و واقعیت را بسیار زیبا بیان کرده است. او روز غدیر را عید یاد کرده است.

البته در آن مقطع تاریخی، وظیفهٔ امیرمؤمنان سکوت و صبر بود

ص:۲۵

۱- . مجموعهٔ رسائل الامام الغزالی، رسالهٔ «سر العالمین و کشف ما فی الدارین»، ص۴۸۳.

. صبر عجیب علی بن ابی طالب، برای حفظ اصل اسلام بود؛ چون در غیر این صورت، جنگ و فتنه داخلی اتفاق می افتاد. چنین جنگی در آن وضعیت خاص تاریخی، موجب ازهم گسیختگی جامعهٔ نوپای اسلامی می شد و تمام زحمات رسول خدا هدر می رفت. در آن زمان، هنوز اسلام در جان های مردم ریشه ندوانده بود. ازاین روست که امیرمؤمنان به افرادی چون ابوسفیان که پیشنهاد یاری رسانی کرده بودند، جواب منفی داد؛ چون نیت شوم و ننگین آن ها را می دانست.

پنجره:

گسترش کمّی اسلام در دو سال آخر زندگانی رسول خدا و از عام الفتح در سال هشتم هجری، اتفاق افتاده بود. این مدت، بسیار کوتاه بود. ازاین رو امیرمؤمنان در ماجراهای دردناك پس از رسول خدا صبر پیشه کرد؛ چون وظیفه، حفظ این ریشه بود تا به مرور زمان، با برخورداری از معارف اصلی، رشد یابد و در این سیر، حق از باطل جدا وتمیز داده شود، و سپس ادامه یابد. این مهم بر دوش امیرمؤمنان علی بود.

بلی، اگر یاری رسانان در همان روزهای اول به وظیفهٔ خود عمل می کردند، صحنهٔ سیاسی اجتماعی به گونه ای دیگر رقم می خورد. ازاین روست که حضرت چاره ای جز صبر و استقامت نداشت؛ آن هم چه

صبری، فرمود: «فَصَبَرْتُ وَ فِی الْعَینِ قَذًی وَ فِی الْحَلْقِ شَجاً.»(۱) (صبر کردم، درحالی که استخوان در گلو و خار در چشم داشتم.) حضرت باید صبر می کرد تا امروز حقایق، حفظ و منتشر شده و خط علوی که همان خط نبوی است از خط اموی جدا شود.

به هرحال خلافت غصب شد. پس از آن، حاکمان به فکر افتادند منبع مالی را نیز قطع کنند تا امامت، بدون پشتوانهٔ مالی باشد. فدک به قدری درآمد داشت که جواب گوی بسیاری از نیازهای آن دوره بود؛ بنابراین، عالمانه مسیر را کشف کردند و پس از غصب خلافت، فدک را به زور ستاندند. بنابراین، انگیزهٔ اساسی غصب فدک، سیاسی بوده است.

حال باید دید چگونه فدک را ستاندند و آن را غصب کردند: آنان کارگران و گماشتگان فاطمهٔ زهرا را از آن زمین بیرون کردند. سپس دستگاه حکومتی بر آن دست گذاشت. اینجا جای مطالبه و احقاق حق بود. آن کسی که میدان دار بود، فاطمهٔ زهرا بود. نقش آفرینی آن حضرت حیرت آور است. آن بانو چه کرد؟ بازتاب کار بزرگ او تا به کجا بود؟ ابعاد گوناگون زندگانی آن بزرگوار بسیار گسترده و درس آموز است.(۲)

۱- . نهج البلاغه، خطبهٔ۳ (شقشقیه).

۲- . او در دفاع از حریم رسالت، یاور پدر بزرگوار خود در مکه و مدینه بود. در مکه بااینکه خردسال بود، در مسجدالحرام از پدر دفاع کرد. در مدینه، در جنگ های احد و خندق کمک پدر بود. پس از فقدان پدر، بزرگ مدافع حریم ولایت شد. نقش برجستهٔ سیاسی آن حضرت در مقابله با دستگاه حاکم با فراخوانی یاران برای یاری رسانی به اول مظلوم عالم، علی بن ابی طالب آغاز و پس از غصب فدک پررنگ تر شد.

کاری که فاطمهٔ زهرا در آن مقطع حساس تاریخی انجام داد، از عهدهٔ هیچ کس جز وی برنمی آمد.

خلاصه:

پس از غصب خلافت، فدک نیز غصب شد تا امامت حقه در فشار اقتصادی باشد.

ص:۲۸

فصل چهارم: گام های استوار برای احقاق حق

اشاره

تصویر



ص:۲۹

تصویر



ص:۳۰

فاطمۀ زهرا برای احقاق حق خویش به پا خاست. آن حضرت این کار در چند مرحله انجام داد:

در ابتـدا بـا عنوان اینکه «اینجـا ملـک من است» طرح دعوا کرد که رسول خـدا فـدک را به وی بخشـیده است. این بخشـش را اصـطلاحاً نحله می گوینـد. پس از آنکه این مطلب را غصب کننـدگان نپذیرفتنـد، فاطمـۀ زهرا حقش را با عنوان ارث مجـدداً مطالبه کرد.

پنجره:

چرا فاطمـۀ زهرا حق خود را به دو گونه مطـالبه کرد: یک بار به عنوان هبه و نحله و یک بار به عنوان ارث؟ بین این دو تناقض نیست؛ چون وی وقتی مطالبۀ میراث کرد که ادعای مالکیتش به عنوان اینکه فدک هبۀ رسول خدا به اوست، پذیرفته نشده بود. بنابراین، آن حضرت درخواستش را در دو مرحله مطرح کرد؛ نه در یک مرحله.

باید دانست که ارث بری به معنای بقای ملکیت رسول خدا بر اموال خویش تا لحظۀ وفاتش است؛ حال آنکه

در فرض نحله، قطع ملکیت واهب (رسول خدا) و اثبات ملکیت موهوبٌ لها (فاطمهٔ زهرا) مطرح است. نکتهٔ مطلب در همین است: طرح دعوی ارث ازسوی فاطمهٔ زهرا، در مرحلهٔ دوم و پس از رد ادعای مالکیت بود.

فاطمهٔ زهرا در مرحلهٔ اول، مالکیت خویش را مطرح ساخت. اینجا مسئله ای شرعی و بلکه عقلی و عرفی مطرح است: به حسب قاعده، انسان مالك چیزی است که در اختیار اوست. از این فرد با عنوان ذوالید یاد می کنند. مثلاً از کسی که ساعتی در دست دارد، نمی خواهند دلیلی بر مالك بودن خویش بر ساعتش ارائه کند. اگر کس دیگری بیاید و ادعا کند که این ساعت از آن اوست، خودِ او باید برای ادعایش دلیل بیاورد. اینجاست که می گویند: «الْبَینَهُ عَلَی الْمُدَّعِی وَ الْیمِینُ عَلَی الْمُدَّعَی عَلَیه (من أنکر).»(۱) یعنی ادعا کننده باید برای ادعای خویش دلیل و بینه بیاورد و مدعی علیه (منکر)

تنها قسم یاد می کند. این حکم، همه جا پذیرفته شده است.

در قضیهٔ فدك، این زمین در دسترس فاطمهٔ زهرا و در تصرف آن حضرت قرار داشت؛ بنابراین او مدعی نبود. وی درحال بهره برداری

۱- . نك: الکافی، ج۷، ص۳۶۱، ۴۱۵؛ من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۲و۶۵؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۲۲۹ و ج۱۰، ص۱۶۶؛ وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۴۴۳ و ج۲۷، ص۲۲۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج۲۵، ص۵۳و۵۶؛ صحیح بخاری، ج۳، ص۱۴۶؛ سنن ابن ماجه، ج۲، ص۷۷۸؛ سنن الترمذی، ج۲، ص۳۹۸، ۳۹۹.

از زمین بود و کارگرهایش هم مشغول کار بودند. پس کسی نباید از آن حضرت دلیلی می خواست. آن کسی که این مالکیت را زیر سؤال برد، مدعی بود. او باید بینه اقامه کرده و دلیل عرضه می کرد. ولی دستگاه حکومتی به عکس عمل کرد. زمین را از کسی که آنجا را در تصرف خود داشت، ستاند و غصب کرد و از مالك آن، دلیل و بینه مطالبه کرد!

بنابراین، اصل درخواست اقامهٔ بینه از فاطمهٔ زهرا بر خلاف ضروری فقه است. کسانی که فدك را غصب کردند، اگر حکم را نمی دانستند که جهل و نادانی خود را اثبات کرده اند و آن خود مصیبتی است، اگر هم دانسته عمل کردند، مصیبت بزرگ تر است.(۱)

حضرت فاطمه از باب مماشات و برای احقاق حق، ناچار شد دلیل بیاورد. او چند شاهد آورد: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین و ام ایمن. ولی باز بهانه آوردند که گواهی دادن اینان را نپذیرفتند. شگفتا که شهادت چهار تن از افرادِ آیهٔ تطهیر پذیرفته نشد. گفتند شهادت علی پذیرفته نیست؛ چون او شوهر فاطمه است و این شهادت به نفع اوست.(۲) حسنین هم فرزندانش هستند و شهادتشان به نفع او تمام می شود. ام ایمن هم زن است و شهاتش پذیرفتنی نیست!(۳)

۱- . إن كنت تدری فتلك مصیبه، و إن كنت لا تدری فالمصیبه أعظم.

۲- . شیخ مفید، حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث، ص۲۷؛ علامه حلی، نهج الحق، ص۲۷۰؛ سیدبن طاووس، الطرائف، ص۲۵۳.

۳- . همان.

علی بن ابی طالب به حکم آیـۀ مباهله(۱) نفس و جان رسول خـدا بوده و کسـی است که رسول خدا در حق او فرمود: «علی با حق است و حق با علی.»(۲) و فرمود: «علی از من است و من از علی.»(۳) و جابربن عبدالله انصاری(۴) و ابوسعید خدری، یاران جلیل القدر پیامبر درباره اش گفتند: «در دورۀ رسول خدا، راه شناسایی منافقان، وجود بغض و کینۀ ایشان به علی بن ابی طالب بود.»(۵) آیا کلام چنین کسی کافی نبوده و شهادتش پذیرفتنی نیست؟ از فاطمه درخواست شهود و دلیل کردند

و سخنش را نپذیرفتند که عایشه درباره اش می گوید: «کسی را پس از رسول خدا راست گوتر از فاطمه نیافتم»(۶) و کسی که صدیقه است و از اصحاب کسا و از افراد و مصادیق آیۀ تطهیر(۷) و از افراد آیۀ مباهله؟(۸)

۱- . آل عمران، ۶۱.

۲- . «علی مع الحق و الحق مع علی» (نک: تاریخ بغداد، ج۱۴، ص۳۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج۴۲، ص۴۴۹).

۳- . «علی منی و أنـا منـه» (نـک: مسـند الامـام أحمـد، ج۴، ص۱۶۴و۱۶۵؛ سـنن ابن مـاجه، ج۱، ص۴۴؛ سـنن الترمذی، ج۵، ص۳۰۰؛ نسائی، فضائل الصـحابه، ص۱۵؛ مصـنف ابن أبی شیبه، ج۷، ص۴۹۵و۵۰۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج۵، ص۴۵و۱۲۶؛ مسند أبی یعلی، ج۱، ص۲۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر ج۴، ص۱۶؛ الجامع الصغیر، ج۲، ص۱۷۷؛ کنز العمال، ج۱۱، ص۶۰۳، ج۱۳، ص۱۴۲).

۴- . طبرانی، المعجم الاوسط، ج۲، ص۳۲۸؛ ابن عبد البر، الاستذکار، ج۸، ص۴۴۶.

۵- . ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج۴۲، ص۲۸۵.

۶- . محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص۴۴؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ج۴، ص۱۸۹۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج۲، ص۱۳۱.

۷- . احزاب، ۳۳.

۸- . آل عمران، ۶۱.

شهادت حسن و حسینی پذیرفته نیست که رسول خدا در حقشان فرمود: «سرور جوانان بهشت اند.»(۱) طبق روایاتِ همهٔ مسلمانان، رسول خدا در حق ام ایمن فرمود: «او از اهل بهشت است.»(۲) و از این رو دربارهٔ وی گفته اند: «المبشره بالجنه» یعنی کسی که بشارت بهشت به او داده شده است. آیا شهادت او پذیرفته نیست؟پس غصب کنندگان، راه پذیرفتن شهادت را نیز بستند.

در مرحلهٔ بعد فاطمهٔ زهرا خواسته خود را به گونه دیگر مطرح ساخت؛ چون در اینجا مسئلهٔ احقاق حق و مبارزه با بدعت در دین و دفاع از حریم امامت و مبارزه با غاصبان و ستمکاران بود؛ نه صرفاً رسیدن به حق مسلم خویش. فراموش نکنیم که فدک یعنی خلافت. این گونه باید به مسئله بنگریم: فدک تنها قطعه ای زمین نیست. فاطمهٔ زهرا با همین مطالبهٔ فدک، در واقع اساس خلافت غاصبانه را برای همیشهٔ تاریخ زیر سؤال برد.

ازاین رو وقتی که مالکیت فاطمهٔ زهرا بر فدک را نپذیرفتند و شهادت شهود را نیز قبول نکردند، آن حضرت از راهی دیگر وارد صحنه شد و آن، مطالبهٔ ارث بود. آن حضرت درخواستش را در واقع این گونه

۱- . «ان الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنه» (نک: مسند الامام احمد، ج۳، ص۶۲تا۶۴و۸۲ و ج۵، ص۳۹۱و۳۹۲؛ سنن ابن ماجه، ج۱، ص۴۴؛ سنن ترمذی، ج۵، ص۳۲۱و۳۲۶؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص۳۰و۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج۳، ص۱۶۷و۳۸۱ و ج۴، ص۲۶۸؛ ذخائر العقبی، ص۹۲).
۲- . الطبقات الکبری، ج۸، ص۲۲۴.

مطرح کرد: «گیریم که رسول خدا این زمین را به من نبخشیده است؛ ولی آیا می پذیرید که فدک در اصل ملک شخص پیامبر است؟» این را هیچ کس منکر نشد؛ چون همان طورکه گذشت، فدک از جاهایی است که برای آن جنگی واقع نشده است و به حکم قرآن، برگشت آن به شخص رسول خداست. «اگر این چنین است، پس فدک ملک پدر من است و من امروز دختر و تنها [ویراستار۱] فرزند باقی ماندهٔ اویم؛ پس به عنوان ارث به من می رسد.»

خلاصه:

فاطمهٔ زهرا از دو راه حق خویش را مطالبه کرد: ۱. ادعای مالکیت و استمرار آن؛ ۲. مطالبهٔ فدک به عنوان ارث. البته گام دوم را وقتی برداشت که مسیر اول به نتیجه نرسید.

ص:۳۶

فصل پنجم: جعل حدیث برای توجیه غصب فدک

اشاره

تصویر



ص:۳۷

تصوير



ص:٣٨

حضـرت فـاطمه پرسشـی را ایـن گـونه مطرح سـاخت: «ای ابـوبکر، اگر بمیری، امـوالت بـه چـه کسـی می رسـد؟» گفـت: «به فرزنـدانم.» فرمود: «فرزنـدانت از تو ارث می برنـد؛ ولی من از پدرم ارث نمی برم؟!»(۱) سـخن حضرت فاطمه، استدلالی است قوی. بنا بر قانون ارث، هر فرزندی از پدر خویش ارث می برد و فرزند پیامبر از قانون عمومی ارث بری استثنا نشده است.

پنجره:

غصب کننـدگان فـدک پس از اعتراض حضـرت زهرا، به جعل حـدیث روی آوردند. ابوبکر به دختر رسول خدا گفت: «علت ستانـدن، حـدیثی است که از رسول خـدا شـنیدم که فرمود: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِیاءِ لَا نُوَرِّثُ مَا تَرَکْنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ.»»(۲) یعنی ما پیامبران چیزی را به ارث نمی نهیم؛ آنچه از ما باقی می ماند، صدقه است و مربوط به عموم مسلمانان.

۱- . نک: مسـند احمـد، ج۱، ص۱۰؛ الطبقـات الکبری، ج۲، ص۳۱۴؛ السـقیفه و الفدک، ص۱۰۸؛ شـرح نهج البلاغه، ج۱۶، ص۱۸؛ کنز العمال، ج۵، ص۵۸۵؛ البدایه و النهایه، ج۵، ص۳۰۹.

۲- . صحیح بخاری، ج۴، ص۴۲؛ صحیح مسلم، ج۵، ص۱۵۳؛ سرخسی، المبسوط، ج۱۲، ص۲۹.

در پاسخ به تمسک به حدیث جعلی یادشده، پاسخ های گوناگونی وجود دارد. ما در اینجا به سه پاسخ بسنده می کنیم:

۱. فدک ارث نبود؛ بلکه نحلهٔ رسول خدا به فاطمه بود؛ یعنی رسول خدا آن را در دورهٔ خود به فاطمه بخشیده بود و همان زمان در اختیار فاطمه قرار داشت. حاکمان، آن را از فاطمه ستاندند و به خلاف قاعده، خواستار اقامهٔ بینه و آوردن شهود شدند.

هنگامی که آنان شهادت شهود را نپذیرفتند، فاطمهٔ زهرا بحث ارث را پیش کشید تا از این راه به حق خود برسد. او با تکیه بر این جهت، جهل مدعیان خلافت را به حکم مسلم قرآنی و اسلامی ثابت کرد.

پس اصل طلب بینه و درخواست اقامهٔ شهود، بر خلاف قواعد مسلم فقهی است. در فقه ثابت است که ید، امارهٔ ملکیت است و از ذوالید اقامهٔ دلیل نمی خواهند. بلی، اگر کسی ملکیت آن را ادعا کند، باید با آوردن بینه و شهود، ادعای خود را به اثبات برساند. بنابراین، اصل طلب بینه و شهود از فاطمهٔ زهرا، صحیح نبود؛ ولی حضرت برای مماشات و احقاق حق به آن تن داد.

ص:۴۰

پنجره:

در تفسیر قمی(۱) آمده است که امیرمؤمنان علی به ابوبکر رو کرد و فرمود: «تو می خواهی به خلاف حکم الهی دربارهٔ مسلمانان، دربارهٔ ما داوری کنی؟» گفت: «نه.» حضرت فرمود: «اگر در دست مسلمانان چیزی باشد که به ایشان متعلق است و مالک آن هستند و من ادعای ملکیت آن را بکنم، از چه کسی طلب بینه و اقامهٔ شهود خواهی کرد؟» گفت: «از تو.» فرمود: «در این قضیه که فدک در اختیار فاطمه است، اگر کسی ادعای ملکیت آن را بکند، چه کسی باید اقامهٔ بینه کند؟ آیا آن کس که زمین در اختیار اوست، باید بینه بیاورد یا اینکه مدعی مالکیت که زمین خارج از تصرف اوست، باید گواهی و شهود بیاورد؟» در واقع امیرمؤمنان با طرح این سؤال، او را خلع سلاح کرد.

۲. این حدیث خلاف صریح آیهٔ قرآنی مبنی بر ارث گذاشتن پیامبران است و ما وظیفه داریم حدیث مخالف قرآن را به کنار نهیم. آن ها با جعل این حدیث می خواستند اصل باطلی را پایه ریزی کنند: هیچ پیامبری هیچ مالی را به ارث نمی گذارد و هرچه باشد، صدقه است و از آنِ خلافت و این اموال برای فقیران خرج خواهد شد! حضرت فاطمهٔ

۱- . نک: تفسیر قمی، ج۲،ص۱۵۶؛ ریاض المسائل، ج۱۳، ص۱۸۶.

زهرا با استناد قرآنی، این مدعا را باطل اعلام کرد؛ چون این حدیث با منطوق صریح و عمومات قرآنی در تعارض است.

بنابراین طبق قاعـده و بر طبق حـدیث مسـلم، وظیفه، رویگردانی از اینگونه احادیث است: «ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف فذروه.»(۱) (به روایاتی که با قرآن موافق است، عمل کنید و آنچه مخالف قرآن است، وانهید.)

اینجا بود که حضـرت فاطمـۀ زهرا نهیب زد: «أترث أباك و لا أرث أبی؟! لقـد جئت شـیئاً فریاً.»(۲) (آیا تو از پـدرت ارث می بری و من نخواهم برد؟ کار بسیار عجیب و زشتی کردی [وبه حکم خدا، نسبتی ناروا زدی.])

آن حضـرت برای اثبات جعل حـدیث، به آیاتی از قرآن تمسک کرد که مفاد همـۀ آن ها ارث بری همـۀ فرزندان از پدرانشان است: آیۀ «وَ وَرِثَ سُلَیمانُ داوُدَ»(۳) (سلیمان از داوود میراث برد.) و آیۀ: «فَهَبْ

لی مِنْ لَدُنْك وَلِیّاً یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیّاً»(۴) (پس ازجانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد و او را ای پروردگار من، پسندیده

۱- . المقنع، ص۴۵۸.

۲- . شرح نهج البلاغه، ج۱۶، ص۲۵۱.

۳- . نمل، ۱۶.

۴- . مریم، ۵و۶.

گردان.) و آیـهٔ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فی أَوْلادِكمْ لِلـذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيين»(۱) (خداوند به شـما دربارهٔ فرزندانتان سـفارش می کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است.)

۳. قسمت اول حدیث، یعنی «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِیاءِ لَا نُوَرِّثُ» می تواند معنایی داشته باشد که با آنچه آنان در پی آن بودند، مغایرت دارد، که به هیچ وجه به مدعای غاصبان ربطی نخواهد داشت. آن منظور در روایات ما تبیین شده است: میراث اصلی پیامبران، دانش است. یعنی شأن پیـامبران این نیست که مـال انـدوزی کننـد و درهم و دینـار به ارث گذارنـد. آنچه از پیـامبران به ارث گذاشته می شود،

علم و مسائل معنوی است. صد البته که این تفسیر به این معنا نیست که هیچ پیامبری هیچ ارث مالی به جای نگذارد.

عمدهٔ اشکال در روایت ساختگی به قسمت دوم آن برمی گردد: «مَا تَرَکنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ».

اشـکال در عبـارت «مـا ترکناه صـدقه» این است که اگر به رفع خوانـده شود، مفاد آن این خواهـد بود که پیامبر هیـچ چیزی از اموال خود را برای بازمانـدگان خود به ارث نخواهـد گـذاشت و تمـامی آن هـا صـدقه و متعلق به فقرا خواهـد بود. یعنی شـأن ایشان از شأن مسلمانان عادی کمتر خواهد

۱- . نساء، ۱۱.

بود! چراکه تمامی مسلمانان جهان اموال خود را گرچه کم باشد، به ارث خواهند نهاد؛ ولی پیامبران این حق را ندارند! این مطلب با عمومات و اطلاقات آیات قرآنی سازگار نیست؛ بنابراین این ادعا که تمام اموال باقی ماندهٔ پیامبر صدقه بوده و متعلق به مسلمانان است، دروغی بیش نیست و چون با نص قرآن سازگار نمی باشد مردود است.

مضمون قسمت اول روایت با فهم صحیح مشکلی ندارد. شیخ کلینی در کافی آورده است که حضرت رسول خدا در ضمن حدیثی فرمود: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يوَرِّثُوا دِينَاراً وَ لَا دِرْهَماً وَ لَكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ.»(۱) (عالمان وارثان پیامبران اند. پیامبران درهم و دیناری از خود به ارث نمی نهند؛ بلکه دانش را به ارث می نهند و هرکس از آن بهره برد، بهرهٔ فراوان برده است.) مقصود این روایت این نیست که اگر پیامبری صد درهم و دینار از خود ارث گذارد، فرزندان وی هیچ حقی در آن نداشته باشند؛ بلکه مقصود این است که میراث اصلی پیامبران دانش است. هرکس از آن بهره برد، بهرهٔ فراوان خواهد برد.

پس این روایت در مقام این نیست که بفرماید هیچ پیامبری هیچ ارث مالی از خود به جا نمی گذارد؛ بلکه بیان می کند که مقام و شأن پیامبر الهی اقتضا می کند میراث اصلی به جامانده از وی، میراث علمی و معنوی باشد. این میراث در اختیار همهٔ پیروان او خواهد بود؛ نه اینکه

۱- . کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۵، باب ثواب العالم و المتعلم، حدیث۱.

بخواهـد میراث مـالی را نفی کنـد که به طور طبیعی هر فردی آن را برای خویشـان خود به جـا می گـذارد. این میراث عمومی معنوی بـا میراث خصوصـی مـادی ایشان منافات نـدارد. پس آن اشـکالی که در حـدیث جعلی است، بیشتر به قسـمت دوم آن برمی گردد. مفاد این قسمت، نفی میراث خصوصی مادی ایشان است.

خلاصه:

حدیث «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِیاءِ لَا نُوَرِّثُ مَا تَرَکنَاهُ فَهُوَ صَدَقَهٌ» جعلی است؛ چون با حکم صریح قرآن کریم نمی سازد و هر حدیثی که با قرآن نسازد، درخور اعتماد نیست. فرزندان پیامبر همچون دیگر مردم، در حکم ارث برابرند. اضافه بر آن، تمسک به این حـدیث در جای خود نیست؛ چون در واقع فـدک را رسول خدا در دورهٔ خود به فاطمهٔ زهرا بخشـیده بود؛ نه اینکه پس از وی به عنوان ارث در اختیار وی قرار گیرد.

ص:۴۵

فصل ششم: سرنوشت فدک

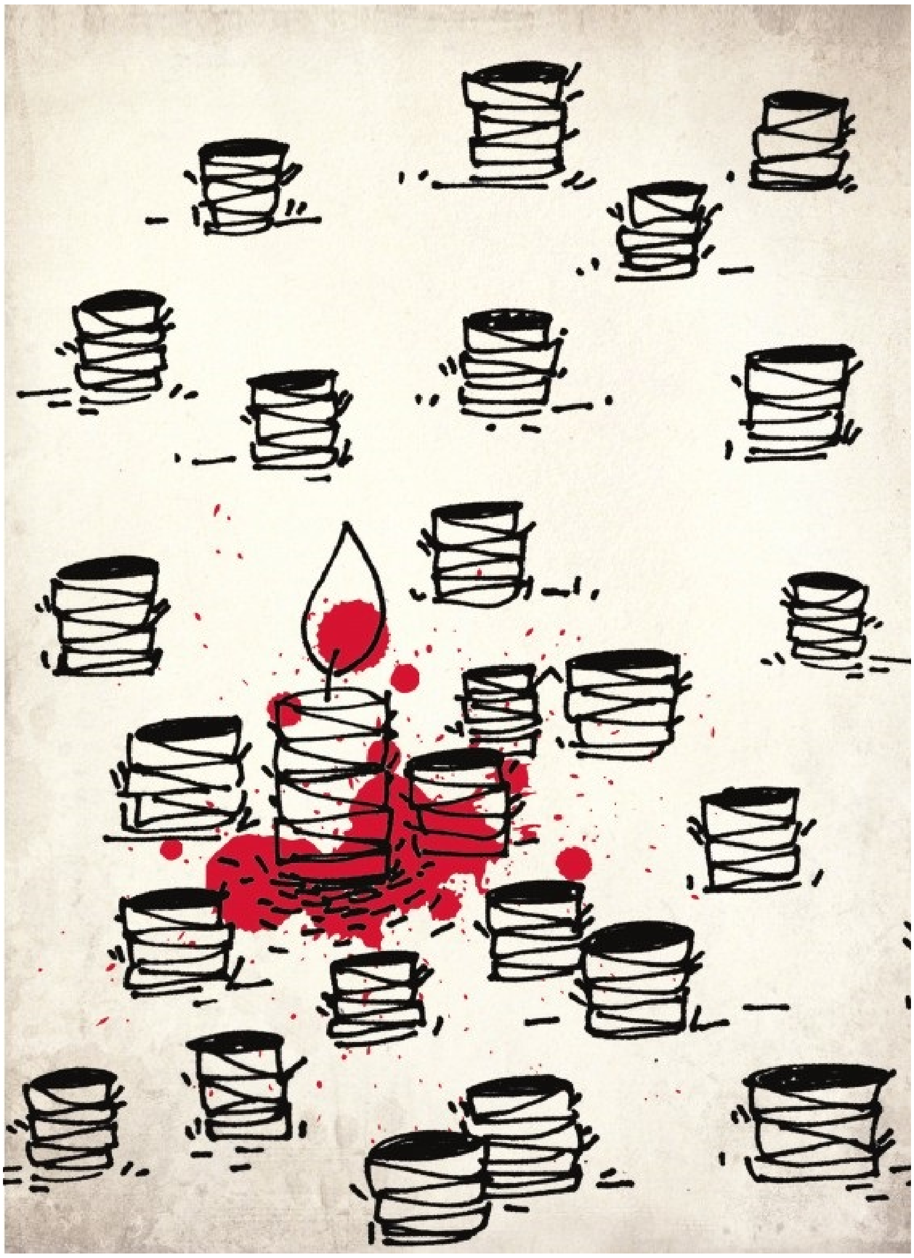
اشاره

تصویر



ص:۴۷

تصویر



ص:۴۸

غاصبان فدک، به بهانهٔ اینکه این ملک از آن مسلمانان است، آن را به زور ستاندند؛ ولی سرانجام، فدک به دست چه کسانی افتاد؟ آیا مستمندان و فقیران از آن بهره بردند؟ آیا در خدمت مصالح عمومی مردم قرار گرفت؟ پاسخ منفی است.

آنان ابتدا آن را به سه قسمت تقسیم کردند: یک سوم آن را در اختیار مروان و ثلث دیگر را در اختیار عمرو بن عثمان قرار دادند و آخرین ثلث را به یزید دادند.(۱) آنان در مرتبهٔ دیگر، همه را به مروان بن حکم دادند.

پنجره:

چگونه است که فدک برای مروان و بنی امیه حلال می شود و برای فاطمه حرام؟ مگر نگفتند که فدک، صدقه است و متعلق به مسلمانان، پس چرا ستمکاران آن را بین خود تقسیم کردند؟! آیا فدک برای فاطمهٔ زهرا نیست و برای بنی امیه و بنی مروان است؟

۱- . شرح نهج البلاغه، ج۱۶، ص۲۱۶.

به هر حال در یک مرحله همهٔ فدك را به مروان بن حکم دادند! بلاذری آورده است که فدك را به علاوهٔ خمس مال آفریقا به مروان بن حکم دادنـد![(۱)] شـگفتا، فـدك را از دخت رسول خـدا سـتاندند و به مروان دادند که رانده شدهٔ رسول خدا بود. آنجا دیگر نه بخششـی از رسول خـدا بود و نه ارثی در کار! پس از آن، مروان همهٔ فدك را به فرزندش داد تا آنگاه که نوبت به عمربن عبـدالعزیز رسـید. او چون از واقعیت غصب آگاه بوده و چه بسا مصالح خاص سیاسـی هم مدنظرش بود، فدك را به حسن مثنی، فرزنـد امـام حسن مجتبی بـاز گردانـد. عمربن عبـدالعزیز اولین کسـی است که فـدك را به نوادگـان فاطمـهٔ زهرا برگرداند.[(۲)]

پس از آن، داسـتان غصب فـدك و بـازپس دادن آن چنـدین بـار تکرار شـد تا دورهٔ هارون الرشـید رسـید و آن گفت وگوی حساس بین امام کاظم و هارون الرشید دربارهٔ تعیین حد و مرز فدك واقع شد.[(۳)] این گفت وگو در ادامه خواهد آمد.

مـأمون عباسـی خود دانشـمند بود و اهـل مطـالعه. او گرچه سـتمکار و غاصب بود، ولی اهل فهم و انـدیشه و برخوردار از شـم سیاسی بود. او با انگیزهٔ شکستن ابهت امام رضا مجالس علمی ترتیب

می داد؛ ولی تمامی این مجالس به نفع امام رضا تمام شد.

ص:۵۰

۱- . انساب الأشراف، ج۵، ص۲۵.
۲- . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۴، ص۲۳۹.
۳- . المناقب، ج۳، ص۴۳۵.

در یکی از این مجالس، حضرت امام رضا فرمود: «وقتی آیهٔ«و آت ذا القربی حقه»(۱) نازل شد، رسول خدا فرمود: «فاطمه را فرا خوانید که به نزدم بیاید.» فاطمهٔ زهرا را فرا خواندند. آن حضرت آمد. رسول خدا فرمود: «ای فاطمه.» فرمود: «بله.» رسول خدا گفت: «این فدک از جاهایی است که برای تصرف آن هیچ جنگی درنگرفته است. فدک متعلق به شخص من است و مسلمانان در آن هیچ حقی ندارند. من آن را برای تو و فرزندانت قرار دادم.»(۲)

پس از آن مأمون عباسی دانشمندان را جمع کرد و پرسید: «آیا شما شهادت علی بن ابی طالب و حسنین بر ادعای فاطمه را می پذیرید؟» گفتند: «آری.» پرسید: «آیا سخن و شهادت ام ایمن را که به شهادت رسول خدا زن بهشتی است، قبول دارید؟» گفتند: «آری.» گفت: «با این همه، آیا باز تردیدی دربارهٔ مالکیت فاطمه به خود راه می دهید؟» گفتند: «نه.» آنجا بود که مأمون پس از گرفتن اقرار از ایشان، دستور داد که فدک را به فرزندان فاطمه باز گردانند.(۳)

۱- . اسراء، ۲۶.

۲- . عیون اخبار الرضا، ص۲۳۳.

۳- . تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۴۶۹.

خلاصه:

فدک را به بهانۀ اینکه صدقه و ملک عمومی مسلمانان است، از فاطمۀ زهرا به زور ستاندند؛ ولی بعدها در اختیار مروان و یزید و بنی امیه و بنی مروان قرار دادند. شگفتا، فدک برای فاطمه و فرزندانش حرام است ولی برای مروان و بنی مروان و بنی امیه حلال؟

اولین کسی که فدک را به فرزندان فاطمه پس داد، عمربن عبدالعزیز بود. پس از وی نیز بارها فدک غصب شده و پس داده شد. مأمون عباسی نیز با گرفتن اقرار از علما و فقهای دوران خویش، فدک را باز گرداند.

ص:۵۲

فصل هفتم: خطبهٔ فدکیه و راز تکیه بر فدک

اشاره

تصویر



ص:۵۳

تصویر



ص:۵۴

خطبۀ فدکیۀ حضرت فاطمۀ زهرا دربردارندۀ اصول معرفتی و عقیدتی اسلامی است. این خطبه با نگاهی ژرف به مسائل گوناگون فقهی و تاریخی و جامعه شناسی و با تکیه بر منطق قرآنی و عقلی و تاریخی و با نهایت استواری و دلیری، شیوا و رسا ایراد شد. جا دارد میلیون ها نسخه از آن، در زبان های زنده جهان منتشر شده و کتاب ها در شرح آن نگاشته شود. اگر هیچ سخنی از آن بانوی اول بشریت، جز این خطبه نداشتیم، برای شناخت ومعرفی آن بزرگوار سندی بس قوی بود.

خطبۀ فدکیه، سخنان حضرت فاطمۀ زهرا با زنان مهاجر، مبارزۀ منفی مستمر آن حضرت، قهر و سخن نگفتن ایشان با ستمگران، گریۀ پیوسته او، ساخت بیت الاحزان در بقیع، ابراز ناخشنودی از غاصبان با وصیت به غسل و کفن و دفن شبانه، مخفی نگاه داشتن محل قبر او ، همه برای رساندن پیام آن مظلومۀ عالم است. به یقین اگر آن جرقه ای که فاطمۀ زهرا زد، نمی بود، سیاست حاکم و قلم به مزدان مزدور، تمامی آثار جنایت را پاک کرده بودند و وقایع مسلم را وارونه به خورد مردم داده بودند.

از اینجا معلوم می شود که زنده نگاه داشتن ایام فاطمیه از چه اهمیت

ص:۵۵

والایی برخوردار است. این گونه، فاطمه چراغ هدایت را برای همیشهٔ تاریخ روشن کرد. این روشنگری اوست که با عملکرد و موضع گیری تاریخی خود، و با ایجاد سؤال در ذهن پژوهشگران و اندیشوران و مردم، آنان را به بازخوانی و واکاوی این جریان مهم تاریخی فرا می خواند. فدک فراتر از تکه ای زمین است.

اضافه بر این، چندین مطلب دیگر نیز دراین زمینه درخور توجه است: اینکه خانمی بزرگوار برای احقاق حق خویش برخیزد و یک تنه در برابر حاکمان قد علم کند و آنان را به چالش اندازد، نفس این کار مایهٔ افتخار همهٔ مسلمانان است. آن حضرت خطبه ای رسا و شیوا را در نهایت شیوایی ورسایی ایراد کرد که دربردارندهٔ مضامین والای معارف دین، چون توحید و نبوت و امامت و فلسفهٔ احکام و مسائل جامعه شناسی وسیاسی روز است. تمام این ها دنبالهٔ فدک است. بنابراین فدک عنوانی است برای بسیاری از مسائل دیگر. تکیه بر فدک یعنی راه تشخیص حق از باطل. فدک آینهٔ تمام نمای ولایت است. غصب فدک یعنی غصب خلافت و ایجاد فشار مالی و اقتصادی بر خاندان عترت وطهارت.

شاهد بر این سخن که فدک در واقع آینهٔ امامت غصب شده است، گفت وگویی است که بین هارون الرشید و امام کاظم دربارهٔ حد و مرز فدک واقع شده و تاریخ، آن را نقل کرده است.

ص:۵۶

پنجره:

ابن شهرآشوب نقل می کند که روزی هارون به حضرت امام موسی کاظم گفت: «محدودهٔ فدک را معین کن تا آن را باز گردانم.» آنان خودشان به خوبی می دانستند که در این قضیه به فاطمهٔ زهرا و فرزندانش ستمی آشکار شده است. حضرت فرمود: «اگر معین کنم، نخواهید داد.» گفت: «خیر، خواهم داد.»

حضرت مرزبندی آن را به گونه ای معین ساخت که گسترهٔ تمام حکومت پهناور اسلامی آن روز را فرا می گرفت. فرمود: «یک حد آن عدن [در یمن] است؛ یک سمت آن به سمرقند می رسد؛ سمت سوم آن به آفریقا می رسد؛ سمت آخر آن به ارمینیا.» رنگ چهرهٔ هارون دگرگون و سیاه شد؛ به گونه ای که غضب کرد و گفت: «دیگر جایی برایم باقی نمی ماند. پس برخیز و بر جای من بنشین!»(۱) حضرت امام موسی بن جعفر نقشهٔ جغرافیایی مملکت پهناور خلافت اسلامی دورهٔ هارون عباسی را کشید و فرمود: «این، حد فدک است. دیدی گفتم اگر حد آن را معین کنم، نمی دهی؟!»

البته می دانیم که فدکِ بخشیده شده به فاطمهٔ زهرا این وسعت

ص:۵۷

۱- . المناقب، ج۳، ص۴۳۵.

را نـداشت. پس منظور امام از این مرزگـذاری چیست؟ مقصود همان است که عرض شد: فدک یعنی آینهٔ تمام نمای امامت و خلافت حقه. فدک یعنی خلافت غصب شده. پس از این گفت وگو بود که هارون کینهٔ امام را بیشتر به دل گرفته و تصمیم به قتل امام گرفت.(۱)

این روایت به خوبی روشن می سازد که فـدک چیست؟ و علت تکیه بر فـدک کـدام است؟ فـدک یعنی سـند حقانیت امامت راستین و بطلاـن جریـان مقابـل. پس مطالبـهٔ فـدک یعنی مطالبـهٔ خلافت و حکومت غصب شـده و به چالش کشانـدن کرسـی نشینان و اثبات اینکه باید این مسند در اختیار اهلش باشد و بس.

و این، راز تکیه بر جریـان فـدک است؛ وگرنه خـود فـدک که برای آن بزرگـان چیزی به حسـاب نمی آیـد. در نامـهٔ ۴۵ نهج البلاغه، حضـرت امیرمؤمنان علی خطاب به اسـتاندار خویش، عثمان بن حنیف، نوشـته است: «ما زیر این آسـمان کبود، فـدکی داشتیم که اینان تاب نداشتند در اختیارمان باشد.» عبارت حضرت این است:

بَلی کانَتْ فِی أَیدِینَا فَدَک مِنْ کلِّ مَا أَظَلَّتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَیهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخَرِینَ وَ نِعْمَ الْحَکمُ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَک وَ غَیرِ فَدَک وَ النَّفْسُ مَظَانُّهَا فِی غَدٍ جَدَثٌ تَنْقَطِعُ فِی ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِیبُ أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَهٌ لَوْ زِیدَ فِی فُسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ یدَا حَافِرِهَا لَأَضْغَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدَرُ وَ سَدّ

۱- . همان؛ بحار الانوار، ج۲۹، ص۲۰۱.

فُرَجَهَا التُّرَابُ الْمُتَرَاكمُ.(۱)

آری، از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده است، تنها فدک در اختیار ما بود که گروهی بر آن هم بخل و حسادت ورزیدند و گروه دیگری آن را سخاوتمندانه رها کردند [و از دست ما خارج شد.] بهترین حاکم خداست. مرا با «فدک» و غیرفدک چه کار، درحالی که جایگاه فردای هرکس قبر اوست که در تاریکی آن، آثارش محو و اخبارش ناپدید می شود؟ قبر حفره ای است که هرچه بر وسعت آن افزوده شود و دست حفرکننده بازتر باشد، سرانجام، سنگ و کلوخ آن را پر کرده و جاهای خالی آن را خاک های انباشته مسدود می کند.

خلاصه:

خطبۀ فدکیۀ حضرت فاطمۀ زهرا دربردارندۀ اصول معرفتی و عقیدتی اسلامی است. این خطبه با نگاهی ژرف به مسائل گوناگون فقهی و تاریخی و جامعه شناسی و با تکیه بر منطق قرآنی و عقلی و تاریخی و با نهایت استواری و دلیری، شیوا و رسا ایراد شده است.

۱- . نهج البلاغه، ج۳، ص ۷۱، نامۀ۴۵.

سخن آخر

۱. فدك طبق آیهٔ شریفه(۱) و براساس اقرار علمای مسلمان، فیء بوده وبه شخص رسول خدا تعلق داشته است؛ چون مسلمانان برای به دست آوردن آن زحمتی به جان نخریده و جنگی نکرده بودند، فدك جزء غنائم به شمار نمی رفت.

۲. پیامبر اسلام، به دستور خداوند، فدك را به فاطمهٔ زهرا بخشید. شیعه وبزرگانی از اهل سنت، مثل فخر رازی و زمخشری و سیوطی، این مطلب را ذیل آیهٔ شریفهٔ «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه»(۲) آورده اند. این سرزمین همان زمان در اختیار فاطمهٔ زهرا قرار گرفت.

۳. پس از غصب خلافت، به منظور ازبین بردن منبع مالی امامت حقه و ایجاد فشار اقتصادی بر خاندان رسالت، فدك را غصب کردند.

۴. فاطمهٔ زهرا برای دادخواهی و مبارزه با ظلم به پا خاست و مسیر خود را از دو راه پیمود: راه اول: استمرار مالکیت؛ راه دوم: مطالبهٔ ارث.

۵. پس از غصب فدك و جواب مثبت ندادن به برهان قوی، فاطمه

ص:۶۰

۱- . «وَ ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَما أَوْجَفْتُمْ عَلَیهِ مِنْ خَیلٍ وَ لا رِکابٍ وَ لکنَّ اللَّهَ یسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلی مَنْ یشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» (حشر، ۶) (آنچه خدا از دارایی شان (یهودیان) به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید؛ بلکه خدا پیامبرانش را بر هرکه بخواهد، مسلط می سازد و خدا بر هرچیزی قادر است.)

۲- . اسراء، ۲۶.

زهرا مبارزهٔ منفی پیوسته ای را در قالب قهر و خشم آغاز کرد. این مبارزه تا دم مرگ آن حضرت ادامه پیدا کرد. آن حضرت دیگر با حاکمان سخنی نگفت. مسلم و بخاری نقل کرده اند: «فوجدت فاطمه علی أبی بکر فلم تکلمه حتی توفیت.»(۱) (فاطمه بر ابوبکر خشم گرفت و تا دم مرگ با وی سخنی نگفت.)

۶. وصیت عجیب فاطمه به غسل و کفن و دفن شبانه و رضایت ندادن آن حضرت به حضور حاکمان در تشییع پیکرش و نماز بر آن، پیامی بزرگ و رسا برای همیشه تاریخ دارد. مخفی ماندن قبر فاطمه استمرار قهر و خشم وی است. آنان به بهانهٔ خواندن نماز بر آن، می خواستند این سلاح برّان فاطمه را کُند سازند. در آنجا خشم و غضب امیرمؤمنان علی بن ابی طالب مانع شد. این مخفی ماندن قبر فاطمه ادامه پیدا خواهد کرد تا ذهن حقیقت جویان را به گونه ای به خود مشغول سازد که به واقعیت برسند.

۷. بی تردید اگر جریان فاطمهٔ زهرا بدون هیچ تعصبی، خوب واکاوی و شکافته شود، مسیر حق از باطل جدا و شناخته می شود و جویندگان حق، مسیر صحیح را خواهند یافت.

ص:۶۱

۱- . صحیح بخاری، ج۵، ص۸۲؛ صحیح مسلم، ج۵، ص۱۵۴.

تصویر


مجموعهٔ یک صد جلدی کتابچه های رهنما
رهنما
مرکز پخش : مشهد مقدس،حرم مطهر، نبش باب الجواد، فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن : ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

ص:۶۲

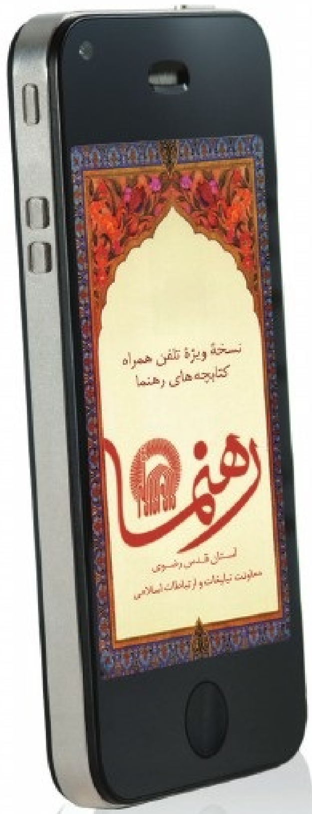
تصویر



لوح فشرده کتابچه‌های رهنما (نسخهٔ ۲)
مرکز پخش : مشهد مقدس،حرم مطهر، نبش باب الجواد علیه السلام، فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن : ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

تصویر

نسخهٔ ویژه تلفن همراه کتابچه‌های رهنما (نسخهٔ ۲)



محل دریافت:

ـ حرم مطهر، مرکز پاسخگویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی (مدرسه پریزاد)

ـ وب کیوسک های مستقر در حرم مطهر

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹